

مجله جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

صاحب امتیاز و
مدیر مسئول
دکتر رحیم
(محمودی)
آدرس حصار اول
جاده میوند متوسل
مهمان ورکشاپ

ما کاملاً آمی توانیم از تمام موانع
ودشواری ها بگذریم نیروی ما
شکست ناپذیر خواهد بود بشرط
آنکه شایسته باشیم ایدئولوژی
مترقی و پیش رو را فراگیریم ،
بشرط آنکه به توده های ایمان داشته
باشیم ، با توده های یکی شویم و آن
هارا به پیش هدایت نماییم

شماره (اول) چهارشنبه ۱۴ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۳ اپریل ۱۹۶۸ ع

د جرییدی نشراتی مرام

شانزده سال پیش جرییده ملی ندا خلق بدستور
طبقه حاکمه مرتجع توقیف شد بدنبال آن اختلاف
سیاسی دامنه داری بر تمام جوانب زندگی ملت
افغانستان استیلا یافت ، تا آنکه طبقه
حاکم بر ضروریات عصر حاضر جهت دفاع از منافع
خویش ناگزیر از آن شد جامعه ریاپر نموده ،
نقاب حقه به چهره زده عطا ی به اصطلاح
دموکراسی را به پیش کشد مؤسس فقید ندا خلق
(دکتر محمودی) در همان دوران اختلاف
بدرو حیات گفت اینجا بخواست کار مؤسس
فقید ندا خلق را با بر و ن کشیدن و باره
جرییده مذکور دنبال کند . روی این ملحوظ
دو سال پیش در خواستی بوزارت اطلاعات
و کلتور تقدیم نمودم ولی وزارت موصوف بدون
ارائه دلائل قانونی این درخواست را رد کرد .
بار دیگر درخواست اخذ امتیاز جرییده بنام
(فدان) بصدوریت مسئول دکتر هادی محمودی
تقدیم داشتم به این درخواست اصلاً واقعی نگذاشته
شد بالاخره برای سومین بار در خواست
جرییده بشام شعبه جاوید داده شد مقامات مسؤول
بدون پیش کشیدن دلیل قانونی یا شرط تفویض
مدیر مسؤول جرییده را بمن سپرد . دکتر رحیم (محمودی)

مرام نشراتی جرییده

بادرك اين واقعيت در دنيا كه
افغانستان امروز در صف عقب مانده
لك جهان قرار داشته و تمام
مردمان ما ناشی از سیستم
اقتصادی - اجتماعی كهن نیست
این جرییده برای افشای همه
جانبه و عمیق تمام این نابسامانی
ها و بیهوشی ها و آگاه ساختن توده
ستمشكش خود بعمل و موجبات آن ها
و بی بردن ایشان برآه های قاطع
و بی گیر نجات خویش شروع به
نشراتی می نماید . بر اساس اندیشه
نویین عصر ما برای ایجاد هر گونه
تدویر گونی عمیق اجتماعی
و سیاسی پیش از همه لازم است
تا از منتهای تمامه را مساعد ساخت یعنی
در زمینه ایدئولوژی بکار برداخت
بنا بر این هیئت نشراتی مسأله
در زمینه سیاسی افشا ساختن
توده های افغانستان به
ایدئولوژی مترقی و پیشرو بود
مهم است تا این ایدئولوژی را
بنیان با خصوصیات ملی خویش در

دیدی دردناکه واقعت درك او تحلیل به اساس افغانستان
دیری در بر و بیرته پاته میوادد و به ای کی های لری او زمسود
خلکو فادد ژوند او دهنونه دموچوده اقتصادی - اجتماعی سیستم
اونظام نتیجه دد داجرییده ددی فادد ژوند او د میواد د بیرته
پاته کیدو د اصلی علتونو دافشا او د مظلومو خلکو د فکری سومی
د لود تیا به مقصد ترخوچه ژمود مظلوم خلک بخپله ددی غیر انسانی
ژوند اصلی علتونه درك او خپل د نجات لاره غوره کی ، به خبر ید و پیل کوی .
ژمود دانشی عصر د مترقیو
افکار و به اساس د هرچول واقعی
عینی او ژور اجتماعی او سیاسی
تحول دمنع ته د دستولو له پاره
ترولو دمنع دالازم او هرگند
حقیقت دی چه دعامو خلکو ذهنت
او فکری سوبه د نومودی تحول
د درك دپاره آماده شی .

یعنی د ایدئولوژی به ساحه
کریه ژمود نشراتی مرام عبادت
دی دلائل و کبرو غرضه
د سیاست په ډگر کی
د سیاست به ساحه کی ددی جرییدی
مرام د افغانستان د مظلومو خلکو
آشنا کیدل د مترقیو او پیشرفته
و ایدئولوژیو سره دی او تصمیم
لری چه نومودی ایدئولوژی د
سوی خپل صیانتوسره داسی بوهای
کی . چه یو معین ملی شکل همان ته
غوره او د خلکو د خپلواک درك
د و گړزی او د دوی د نجات لاره

واقعی پښتوستان گفته - اگر که
له ما هغه پښتنه و ششې ، چه
د پښتوستان د غلامی اساس علت
هغه گونی او به هم دغه و ده و وایم
چې د افغانستان بساطد کی ژمونږ
د غلامی اساس ټکی دی .
این جرییده از مبارزات
آزادی بخش ملی ملل تحت
فشار پښتوستانی نموده و در
افشای دسایسی که این پیشهاد را
خطری برای صلح میداند و فرقی
در واقع میان جنگ عادلانه
و غیر عادلانه قائل نمی شود سعی
بعمل خواهد آورد .
در زمینه اقتصادی
نشراتی این جرییده متکی
بر این اصل است -
برای دولت های که از اقلیت

ددی دردناکه واقعت درك او تحلیل به اساس افغانستان
دیری در بر و بیرته پاته میوادد و به ای کی های لری او زمسود
خلکو فادد ژوند او دهنونه دموچوده اقتصادی - اجتماعی سیستم
اونظام نتیجه دد داجرییده ددی فادد ژوند او د میواد د بیرته
پاته کیدو د اصلی علتونو دافشا او د مظلومو خلکو د فکری سومی
د لود تیا به مقصد ترخوچه ژمود مظلوم خلک بخپله ددی غیر انسانی
ژوند اصلی علتونه درك او خپل د نجات لاره غوره کی ، به خبر ید و پیل کوی .
ژمود دانشی عصر د مترقیو
افکار و به اساس د هرچول واقعی
عینی او ژور اجتماعی او سیاسی
تحول دمنع ته د دستولو له پاره
ترولو دمنع دالازم او هرگند
حقیقت دی چه دعامو خلکو ذهنت
او فکری سوبه د نومودی تحول
د درك دپاره آماده شی .
یعنی د ایدئولوژی به ساحه
کریه ژمود نشراتی مرام عبادت
دی دلائل و کبرو غرضه
د سیاست په ډگر کی
د سیاست به ساحه کی ددی جرییدی
مرام د افغانستان د مظلومو خلکو
آشنا کیدل د مترقیو او پیشرفته
و ایدئولوژیو سره دی او تصمیم
لری چه نومودی ایدئولوژی د
سوی خپل صیانتوسره داسی بوهای
کی . چه یو معین ملی شکل همان ته
غوره او د خلکو د خپلواک درك
د و گړزی او د دوی د نجات لاره
واقعی پښتوستان گفته - اگر که
له ما هغه پښتنه و ششې ، چه
د پښتوستان د غلامی اساس علت
هغه گونی او به هم دغه و ده و وایم
چې د افغانستان بساطد کی ژمونږ
د غلامی اساس ټکی دی .
این جرییده از مبارزات
آزادی بخش ملی ملل تحت
فشار پښتوستانی نموده و در
افشای دسایسی که این پیشهاد را
خطری برای صلح میداند و فرقی
در واقع میان جنگ عادلانه
و غیر عادلانه قائل نمی شود سعی
بعمل خواهد آورد .
در زمینه اقتصادی
نشراتی این جرییده متکی
بر این اصل است -
برای دولت های که از اقلیت
های مفت خوار و استعمارگر
نماینده کی می کنند عملی نمودن
اصلاحاتی که بتواند اکثریت محکوم
را قانع سازد امکان بدیر نیست
این جرییده بر ضد و جریان فکری
که بشواهد اقتصاد افغانستان را
براه های نیمه استعماری سوق دهد
شدیداً مبارزه خواهد کرد تا بدین
وسيله بتواند راه رشد اقتصاد
و اقامت مستقل ملی را هموار سازد
در زمینه فرهنگی نشراتی این
جرییده علیه فرهنگ بوسیده ملاکی
و نفوذ فرهنگ استعماری فاسد
و دنباله روان نوین آن مبارزه
نموده و میکوشد تا میراث فرهنگی
توده این خلق ستمشكش خود را
در پرتو فرهنگ نوین عصر گونی
باز هم خلاصانه تکامل داده و با
در تر سازد . رحیم محمودی

انجمنیر محمد عثمان

تحلیلی از وضع کنونی مناسبات

طبقاتی جامعه ما

تفکر علمی مترقی میخواهد تا برای بررسی هر پدیده ته از
تصادف ذهنی، بلکه باید از تحلیل عینی و مشخص واقعیت های
موجود آغاز نمود. در بررسی اجتماعی، اولتر از همه درك
از عیت شیوة تولید ضرورت است شیوة تولید فعلی در مملکت ما

بطور اساسی، شیوة ملاکی است
زمین بزرگترین وسیله تولید،
دهقان عمده ترین طبقه مؤلف و
زمیندار بارز ترین طبقه استثمار
گراست. در عین حال تجارت نیز
در شیوة تولید کنونی نقش مهمی
دارد، و سرمایه تجارتی بعد از
زمین حاصل مهمی دیگری در
مناسبات تولیدی ما بشمار میرود
پس اساس درك این واقعیت
مناسبات طبقاتی اجتماعی خویشرا
چنین خواهیم یافت.

چون شیوة اصلی تولید ملاکی
است، بنابر این طبقه ملاک
عمده ترین نقش اقتصادی و سیاسی
را در حیات اجتماعی بازی میکنند
ولی افراد این طبقه موقف هم
گوناگونند و نمیتوان آن ها را
بسط و دسته تقسیم نمود و لا
ملاکین که ملکیت آن ها بر زمین
از راه نفوذ دولتی تأمین میشود
ناچاراً ملاکین که در امور دولتی
سهم مستقیمی ندارند دسته اول
از نگاه خاصیت طبقاتی خود به طبقه
تاجر بود و کرات پیوند نزدیکی
داشته و در حقیقت حلقه اتصال
اجتماعی و سیاسی سیستم استعماری
جهانی (از هر طرف که باشد)
با طبقه ملاکین محلی را تشکیل
میدهند دسته دوم تکیه گاه
اجتماعی و اقتصادی دسته اول را
در کشور میسازد. دسته اول
را ملاک پرو کرات و گروه
دوم را ملاک غیر پرو کرات
میتوان نامید.

سر مایه بزرگ تجار و
افغانستان نظر بفشار سیستم امپری
یا لیستی جهانی و مدافعین
استعمار نوین و طبقه ملاک
داخلی نمیتواند در رشته های
صنعتی مستقلاً سهم خود را بنا
ناگزیر در راه تجارت خارجی
سرن میباید از اینجاست که
طبقه تاجران (کامپرا
دور) بسو جود آمده است
نمایندگان سیاسی این طبقه را
میتوان تاجر پرو کرات نامید که
در ترکیب سازمان دولتی موقعیت
حساسی را صاحب است و نقطه اتصال
منافع و پیوند طبقاتی این طبقه
باملاک پرو کرات است. اقتصاد

دولتی کنونی ما که بنام سکندر
دولتی مسمی شده است در اختیار
کنامل ملاک پرو کرات و تاجر
پرو کرات قرار داشته و مملکت
را از نگاه اقتصادی برای همه
استعماری سوق میدهد؛ زیرا از
یکسو مانع رشد صنایع مستقل ملی
میکرد و از سوی دیگر نفوذ
و تسلط سیستم امپریالیستی
جهانی مدافعین استعمار نوین
را در کشور تأمین مینماید.

بنابرین ایند و طبقه ملاک
پرو کرات و تاجر پرو کرات
از آنجالیکه مانع عمده را
در راه پیشرفت اقتصاد دی
کشور تشکیل میدهند
دشمنان درجه اول خلق
کشور اند.

در میان مولدین اصلی (کام
کران و دهقانان) و دو طبقه
بهره کش عمده فوق السد کسر
طبقه کثیرالعدد قرار دارد که دارای
خاصیت دو جانبه است مگر و دستکاری
بوده و بسوی های مختلف اقتصادی
زیست مینمایند. به عبارت دیگر
این طبقه را میتوان طبقه
متوسط نامید. آن ها برای که
در عالی ترین فشار این طبقه
قرار دارند. از نگاه اقتصادی
میتوان تاجر ملی خواند و بنابرین
ترین فشار آن از نگاه اجتماعی
با مولدین اصلی در یک صنف قرار
میکگیرد. مأمورین پابان رتبه
دولت تاجران کوچک و دستفکران
زمینداران متوسط و اهل کسبه
درین طبقه جای دارند. این
طبقه هم از نگاه عمده هم از نظر
خصوصیات اقتصادی و فکری
در زمینه جنبش های عبق اجتماعی
شایان توجه است. به استثنای
فشار فانی آن، این طبقه
از دوستان خلق بشمار می آید.
فشار فانی این طبقه موقف متزلزل
سیاسی داشته و در بعضی اوقات
و در تحت شرایط مشخص و تادرجه
معینی میتواند در صنف خلق
قرار گیرند.

گر داننده چرخ های
تولید لغات مادی جامعه
طبقات مولد کشور است که

(دومری مع پاتی)

در جریندی نشراتی ...

چه یو بل ملت د بند اداساری غده
آزاد کیری، محرابی که چه یو
پشتوستانی، ریشنی مبارز به دی
حصه کی دائمی ها اگر که له ما غده
پوچتنه دشی، چه دپشتوستان
دغلامی اساسی علت غه گفی، نو به
همدغه دره وایم چه دافغانستان
پسماندگی زمواین دغلامی اساسی
تکی دی.

در جرینده د هغو خلکو
د ملی جنبش و آزادی
غوچتونکو مبارزاتو غده
چه تر فشار لاندی دی ملاتړ
کوی. او د هغو دسیسو به افشا
او خرگندو او کی به د آزادی
غوچتونکو جنبشونه او مبارز دی
صلحی دبارد مضر او خطرناکه
گفی او به حقیقت کی د عادلانه
او غیر عادلانه جنگونو داساسی
نفرق او اختلافه غده سترگی
غروی به غده وکی.

به اقتصاد دی چاروکی:
ددی جریندی نشرات به اقتصادی
چاروکی ددی اصله غده عبارت
دی چه د هغو دولتونو دبارد چه

برنجبران، نیمه رنجبران
و دهقانان تقسیم میشود. در
رنجبران که عمده آنها قلیل صاحب
هیچگونه وسیله تولید نیستند
در شهرها عموماً در صنایع نیمه
استعماری و در معادن و در دهات
در خدمت ملاکین و اعضای طبقه
متوسط، قرار دارند.

نیمه رنجبران چه در شهر چه
در ده، با اینکه صاحب وسیله
تولید ابتدائی و مختصری اند
زندگی محنت بار خود را تنها از راه
کارشرا غمتنه و تولیدی تأمین
مینمایند این طبقه قیصدی نسبتاً زیادی
جمعیت دارد در برمی گیرد سومین
و کثیرالعدد ترین طبقه مولد
جامعه را دهقانان تشکیل میدهند.

از آنجالیکه شیوة اصلی تولید
ملاکی است، در حقیقت نیروی
عمده تولید و مولد اصلی ثروت
کشور این طبقه میباشد. با به
اقتصادی و اجتماعی بهره کشی
تمام طبقات استثمارگر بردوش
توانای دهقانان قرار گرفته
و چرخ زندگی جامعه با هر دور
خویش بر محنت و ادبار آن ها
می افزاید. در آخرین تحلیل
سنگینی بار هر گونه مایات
مستقیم و غیر مستقیم بردوش این
طبقه تحمیل می شود در دنیای

وضع اقتصادی و اجتماعی
فعلی، این طبقه نیروی
عمده را تشکیل میدهد.
هر جریانی که خواهان
نوسازی جامعه ما بر اساس
تفکر علمی مترقی است
ناگزیر بایستی اهمیت طبقه
دهقان را در شیوه های
رسیدن به هدف نامبرده بطور
جدی در نظر گیرد.

از حقایق فوق چنین
نتیجه بدست می آید که جهت
تأمین دموکراسی واقعی
بر اساس اندیشه های پیشرو
عصر زوال امپریالیزم،
جریانی که خواهان خدمت
بتخلیق است باید بر رنجبران
بمشا به پیش آهنگ، نیمه
رنجبران و دهقانان بمشا به
نیروی عمده و متحد نزدیک
رنجبران و طبقه متوسط
بمنظر است و دست عطف من
رنجبران متکی بوده و در
شرایط مشخص بتواند فشار
فوقانی طبقه متوسط را در
تحت رهبری خویش گرد
آورد، تا بر دشمنان خلقی
پیروز شود.

دکتر هادی «مجدودی»

عصر زوال امپریالیزم

۶۰۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۷ افزایش یافت در حالیکه بیلا نس تادیات امپریالیزم امریکا در سال های نخستین پس از جنگ دادای مقدار زیاد مازاد بود فروتنی دائمی صادران نسبت به واردات به افزایش ذخیره طلای امپریالیزم امریکا انجامید زیرا ناتوانی پول های سایر کشورهای امپریالیستی و احتیاج شدید آنها به سرمایه گذاری داخلی و ترمیم اقتصادی ایشانرا واداشت تا در بدل واردات کالای امریکائی طلا بپردازند، ذخیره طلای امریکا که در سال ۱۹۴۵ بیش از ۲۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۴۹ به بیش از ۷۴ میلیون دلار بالغ گردید، برعکس در همین مدت ذخایر طلای فرانسه ۱۴۵۲ میلیون دلار و ذخایر طلای سویدن ۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. این امر موجب شد که سایر دول غربی امپریالیستی، ناگزیر دست به کاهش ارزش پول زنند، چنانچه از

کشورهای امپریالیستی بساخته آغاز نموده، چنانچه تنها در سال ۱۹۴۵ مقدار ۳۷۵۰ میلیون دلار به بریتانیا و ۱۲۱۰۰ بدین ترتیب انحصارات عظیم ایالات متحد و در مدتی کمی در سراسر جهان امپریالیستی باختر در رشته های مختلف مالی و صنعتی شبکه وسیعی از موسسات دایدار اختیار کامل و یادداشت نظارت خویش گرفت که بود شدید ضرورت های نخستین زندگی و مواد خام که دول امپریالیستی اروپای باختری در اثر جنگ بدان گرفتار بودند به امپریالیزم امریکا فرصت داد تا بازرگانی ایشانرا در مجاری سودمند برای خویش هدایت نماید در اثر ورود سیل اسای سرمایه و کالای امریکائی وضع مالی کشورهای اروپای باختری بدتر میشد، کسر تادیات انگلیس از ۳۷۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۶ به

مهمیات جنگی و آذوقه و مواد بار به سایر دول امپریالیستی منافع هنگفتی بچنگ آورد، با قدرت اقتصادی و نظامی فوق العاده عظیمی سر بر کشید، آنگاه ایالات متحده جهت گماشتن با بهره برداری کاملی از این موقف نایاب خویش بعمل آورد، از یکسو وی کوشید تا از ناتوانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی استفاده نمود، بازارهای مستعمرات و حوزه های نفوذ ایشانرا در مناطق وسیع آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین تصاحب کند و از سوی دیگر به خود کشورهای امپریالیستی دیگر بصدور سرمایه پرداخته و رشد و احیای اقتصاد آنها را در زیر نظارت و کنترل خویش داشته باشد، یعنی بمعبارت دیگر ایالات متحده کوشید سر تاسر جهان سرمایه داری را به کشورهای مستعمر و وابسته مستعمر و به سایر کشورهای امپریالیستی را در تحت نفوذ، نظارت و کنترل اقتصادی و سیاسی خود قرار دهد برای این منظور در آخرین سال جنگ در (بریتن وودز) ایالات متحده، کنفرانس بشمول چهل و چهار کشور جهت تنظیم مجدد امور مالی و تجارتی تشکیل گردید، که «صندوق وجهی بین المللی» و «بانک بین المللی جهت احیاء و تکامل» را بنیان گذاشت. بقرار موافقت نامه «صندوق وجهی بین المللی» از میان تمام جریان های پولی، تنها ارزش معادل دلار باطلا بصورت مستقیم تعیین شده و معادل طلای سایر جریانات پولی بصورت غیر مستقیم از راه نسبت مبادله آنها با دلار تعیین میگردد. ارزش معادل دلار بمقدار ۳۵۰ دلار معقر گردید، ایالات متحده از آن جهت این امتیاز را کما می نمود که از یکسو در آن هنگام دارای نیرومندترین ضایع و کشاورزی جهان امپریالیستی و از سوی دیگر صاحب بزرگترین ذخیره طلا در جهان غرب بود. بیش از ۲۰ میلیون دلار، بدینسان دلار خود نقش طلا را برای سایر کشورها داشت، و آن ها می توانستند ذخایر پشتوانه خود را بصورت دلار نگه دارند پس از تثبیت نقش حاکم دلار در جهان مالی سرمایه داری، امپریالیزم امریکا بصورت

سرتاسر جهان غرب، عظیم ترین بحران مالی و اقتصادی در تاریخ خویش را از سر میگذاشت پس از آنکه در هود هم نوامبر سال ۱۹۶۸ از یواند سنرلنگک پان آمد، خرید طلا در بازارهای بزرگ غربی چون لندن، نیویورک و ورینگ و باریس، سیل آسا بحران افتاد، «نیوزویک» در شماره ۱۸ مارچ ۱۹۶۸ خود نوشت: پس از پایان آمدن ارزش پوند، فروش طلا از طرف بانک های مرکزی غربی از روز ۳ تا ۵ تن بر وزانه ۱۰۰ تن افزایش یافت. «تایمز» در شماره ۲۲ مارچ ۱۹۶۸ خود خبر داد، فروش طلا در یک روز به ۲۰۰ تن یعنی معادل ۲۲۰ میلیون دلار رسید، که این رقم بزرگترین مقدار فروش روزانه طلا در تاریخ است. قیمت فی اونس طلا در بازار باریس به ۳۹ دلار رسید، بقول «اگونیومست» تنها در دو ماه نوامبر و دسامبر سال ۱۹۶۷ تقریباً ۱۲۵۰ میلیون دلار شمش طلا بفروش رفته است. «نیوزویک» در همان شماره مینویسد: سرمایه گذاران، اقتصاد دانان و بازرگانان بنوعی روز افزونی احساس می کنند که کشور در جنگال آهنین بحران چنان کبر افتاده که جلوگیری از آن دیگر مقدور نیست.

این تشنگی بخوا طرز، از برای چیست؟ چرا غربی که امکان گمان می بردند در دایمی از نعمت و ثروت شناور است، این همه در تلاش بکف آوردن زر از خود ببقراری نشان میدهد؟ جهت شناسایی موجودیات و چگونگی این بحران بایست بگذشته برگردیم.

جنگ جهانی دوم در تناسب قوای دول امپریالیستی تغییر کلی داده و رشد ناموزون اقتصادی آنها را با هم ناموزون تر ساخت همه دول امپریالیستی، چه آن ها بیکه در جنگ پیروز شده بودند مانند انگلستان، فرانسه و غیره و چه آن ها بیکه شکست خورده بودند چون آلمان، ایتالیا و جاپان در اثر دیرانی های جنگ (به نسبت های مختلف) اقتصاد و شکسته ای را میراث بردند. برعکس ایالات متحده امریکا که جنگ خود چشمه ای غروشان ثروت برای وی بشمار می آمد (زیرا از یکطرف جنگ باعث هیچگونه ویرانی در ایالات متحده امریکا نشد، و از سوی دیگر انحصارات ایالات متحده از راه فروش اسلحه

آئین نوین

جنبشی ای تازه - اصل او جوان

شودشی ای مردمان باستان

گردشی ای معبود چرخ زمان

لرزشی ای موج خلق بیکران

تا بشی ای شعله های چا و دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

پر تو افشائی اما چون آفتاب

بار کن از چهره خاستن نقاب

سرنگون کن باره افرا سیاب

ر تند شو ای برق های باشتاب

تا بشی ای شعله های چا و دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

آتش از کوره های کارگر

غرضی از داس و بیل بزرگر

زیر و رو کن کاخ استعمارگر

محو کن بنیاد استعمار و شر

تا بشی ای شعله های چا و دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

کن علم از مجمر خود تو رها

شویضا و در هیرمز و رها

اخگر افکن بر سر مقر و رها

سوز دست و فرق این سرزورها

تا بشی ای شعله های چا و دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

طرح آئین نوین اینجا کن

آتش در خاسته بیدار کن

این وطن را از محن آزاد کن

با رحمت و رسم نو از شاد کن

تا بشی ای شعله های چا و دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

دا کنتر رحیم (محمودی)

۱۹۴۵ تا ۱۹۵۸ از فرانک فرانسه پنج بار و در سپتامبر ۱۹۴۹ پوند سترلینگ قیامت ۲۰/۵ کاهش از یافت و به تعقیب آن ۳۵ کشور دیگر سرمایه داری نیز از پول های خود را پایان آوردند کاهش از برای اینکه کشور های امپریالیستی دو نتیجه بسیار آورد، از یکسو شرایط زندگی را در داخل کشور برای زمینکشان و مردم سخت تر و ناگوار تر ساخت و از سوی دیگر نرخ مواد صادراتی آن ها را تقلیل داده و به بدین ترتیب بر میزان صادرات شان افزود و در نتیجه تجاروت بین المللی قدری در ثبات آن ها در برابر امپریالیزم امریکایی بالا رفت.

بدینسان به تدریج سر از سال ۱۹۵۰ بیلاسن تادات امپریالیزم امریکا آغاز به نقصان نمود و با به پای آن جهت جریان طلا تغییر خورد و شروع به بیرون رفتن از ایالات متحده نمود، بدینسان در پیاده و کشمکش میان دول امپریالیستی، یعنی در پیاده اقتصادی و تجاروتی میان امپریالیزم امریکا که میخواست سایر دول امپریالیستی را تحت نظارت و کنترل خود داشته باشد - و سایر دول امپریالیستی که میخواستند خود را از زیر نفوذ و کنترل امپریالیزم امریکا بیرون آورند، نخستین عساریم برگشت بشر را امریکائی نمود و شد از جانب دیگر، پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیزم امریکا در اواحی وسیع آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به صدور سرمایه و گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خویش با کوشش هر چه تمام تر آغاز نهاد. ناتوانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی شرایط بسیار مناسبی برای امپریالیزم امریکا ایجاد نمود، تا آنکه بتواند با آسودگی خاطر، بجای امپریالیست های اسکندریسی، فرانسوی و فاشیست های جاپانی و آلمانی و ایتالیایی در این اواحی به استعمار و بهره کشی خویش دست زند. آسیا، آفریقا و امریکای لاتین منابع سرشار مواد خام و صاحب کان های گران بها و غنی بوده و بازار فوق العاده وسیعی برای خرید کالای صنعتی و حتی کشاورزی دول امپریالیستی بشمار می آیند. در اندک مدتی سرمایه امریکائی در سراسر این منطقه وسیع نفوذ کرد بطور مثال ۹۰٪ استخراج مس ۱۹۵۰٪ استخراج سرب

(بقیه از ص ۳)

عصر زوال...

۹۸٪ استخراج جست ۲۰٪ استخراج نقره ۱۵٪ استخراج نفت امریکای لاتین در انحصار ایالات متحده میباشد امپریالیزم امریکائی نصف صادرات امریکای لاتین را در انحصار خود دارد به هم متوسط صادرات سالانه امریکا به امریکای لاتین ۲۰٪ کل صادرات امریکا را تشکیل میدهد و سودی که امپریالیزم امریکائی از کشورهای امریکائی لاتین بدست می آورد، یک چهارم کل سود سرمایه گذاری های خارجی امپریکا را در بر می گیرد. بدینسان در هر و غله جنوب شرق آسیا، نفت سرشار خاورمیانه، یورانیوم و طلا، آفریقا، قهوه، شکر و نفت امریکای لاتین همه آغشته به خون و عرق جبین مردمان مستکش این سه قاره (که اکثریت

دانی که بود سپید و هم نیک عمل
نزد رفقا
یا کیست سیاه روی در انتظار ملل
از حب طلا
آن کاریگری که می خورد نان جویین
از رحمت دست
یا محشومی که می خورد شیر و عسل
بی محنت پا
گرد آورنده م

کهن و نوین با هم فروزتر شعله در ساخت جنبش دموکراتیک ملی با سرعت چون آذرخش و قدرت چون بزم اوج گرفت. جهت مقابله با این عامل نیرومند جدید، دول امپریالیستی کوشیدند برای نگهداری موقف پیشین خویش تدابیری اتخاذ نمایند تشدید تسلیحات افراطی و هزینه های جنگی و ایجاد بلوک های نظامی سرتاسر کره زمین را شبکه یا شبکه های نظامی امپریالیست ها و مقتدر ترین آن ها امپریالیزم امریکائی گرفت، تهدید و ادعای و شاننازه هسته ای اصل اساسی سیاست امپریالیستی در مواجهه با خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بشمار آمد ولی هیچ نیروی دایماری آن نیست تا از روزه تا ریخ جلو گیرد؛ مبارزات خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین چون مشت آهنین ضربات خود را کفنه بر پیکر لرزان و نرغوت اقتصاد و تمامی سیستم

مطلق نفوس جهان را تشکیل می دهند (نبدیل به جو بیاد های سرشار زد گردید، که از چاروس بدون توقف، بسوی هدف واحد در آن بود و قیاموس اتلس - بسوی نیو بودک بجریان افتاد. با به پای این جریان، خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که جنگ جهانی دوم حلقه اسارت استعمار گران کهن - انگلیس، فرانسه، جاپان و غیره - را متزلزل ساخته بود، در جستجوی آزادی ملی سیاسی و اقتصادی در پیروزی و زوال و زوالی بر علیه تمام اشکال استعمار چه کهنه و چه نو، قدم بقدیم بجلوشتا فزند. جنبش کبیر دموکراتیک ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین هر روز نیرومند تر گردید و تمرات درخشانی بیاد آورد، در برخی نقاط زنجیر امپریالیزم بکلی گسسته شد و در برخی جا های دیگر صدمات شدیدی برداشت از سوی دیگر، چنانچه قبلاً ذکر آن رفت از شروع دهه پنجاه سایر دول

امپریالیزم می گوید از نیمه دوم سال های پنجاهه اینسو ایندیگر جنبش دموکراتیک ملی آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است که سمت پیشرفت جهان را نشان میدهد نه انحصارات قمار مایشتا پیشین غرب امپریالیست در ضربات در هم کوبیده این جنبش، تضاد میان دول امپریالیستی باز هم شد پیشتری یافت مصارف جنگی هر روز بیشتر از روز پیش فرونی گرفته و وضع مالی و اقتصادی دول امپریالیستی با هم بیشتر رو به وخامت می رود است شاهد آنکه مصارف جنگی امریکا از ۵۱/۱ هزار میلیون دلار در سال ۱۹۵۱-۱۹۵۲ به ۷۱/۲ هزار میلیون دلار در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۷ و مصارف جنگی انگلیس از ۴۸۵۳ هزار میلیون پوند در سال ۱۹۴۸ تا ۴۹۲۲ هزار میلیون پوند در سال ۱۹۶۶ تا ۶۷ رسید سایر دول امپریالیستی نیز در همین راه روان اند.

بنا بر آن جنبش بر توان دموکراتیک ملی آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین که هر روز دامنه آن گسترش بیشتری یافته و کشور های آسیایی، آفریقایی و امریکائی لاتین را از زیر سلطه اقتصادی سیاسی و نظامی دول امپریالیستی بیرون کشیده و بدین طریق بازار فروش و مناطق نفوذ و صدور سرمایه امپریالیستی را تشنگر و فشرده تر میسازد از یکسو واحدهای مجدد اقتصادی دول امپریالیستی شامل در جنگ و رقابت و در افزون و تشدید تضاد های آشتی ناپذیر ایشان با امپریالیزم ایالات متحده از سوی دیگر و بالاخره مصارف سراسر نظامی میلنا در بر شدن تمامی سیستم جهانی امپریالیستی و مخصوصاً امپریالیزم امریکائی موجب شد تا نقصان افزایش روز افزونی یابد بیلاسن تادات ایالات متحده که در سال های ۱۹۵۳ - ۵۷ در حدود ۲۸۰ هزار بلیون دلار بوده در سال ۱۹۶۷ به ۳۰۶ بلیون دلار رسید مصارف جنگی غارتگرانه امریکا در ویننام که هر سال با سرعت بیشتری بالا می رود (نانام)

حساب در پشته تجاروتی با ننگ (۲۲۲۴)
حق الاشتراک
مرکز
ولایات و پشته نستان ۲۳۰
خارج ۱۰ دلار
هر چهارشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره دو افغانی
دولتی مطبعه